

## High2 vocab

Aa	
abandon (v)	رها کردن (مادرکودکش را در 5 سالگی رها کرد)
abracadabra (interj)	کلام دارای خاصیت سحر و جادویی (مثلاً: اچی مجی لاترجی)
accomplice (n)	شریک جرم
acquainted (adj)	آگاه- آشنا- مطلع (آگاه از جزئیات پرونده و...)
acumen (n)	تیز هوشی- زیرکی (زیرکی اودر حرفه اش)
administration (n)	دولت- دستگاه حکومت
administrative (adj)	اجرایی- اداری (شغل اداری/اجرایی)
admission (n)	اجازه ی ورود- پذیرش (به مدرسه، جامعه و...)
admit (v)	قبول کردن- پذیرفتن (اشتباه خود را پذیرفتن)
adrenalin (n)	هورمونی که باعث افزایش فشارخون و ضربان قلب میشود (هنگام ترس و...)
advisory (n)	هشدار رسمی
aficionado (n)	هوخواه- دوستدار (هنر، دوست، ورزش دوست و...)
aftermath, the (n)	عواقب بعدی- پیامد (مثلاً: عواقب بعد از تیراندازی)
aide (n)	معاون- و ر دست
ailment (n)	بیماری مزمن
airsick (adj)	مبتلا به حالت تهوع و بهم خوردگی مزاج در اثر پرواز
alias (n)	نام قلابی (کالا و...) - نام مستعار
all work and no play makes Jack to become a dull boy (exp)	[اشاره بر این دارد که] انسان نباید تمام وقت خود را صرف کار کردن کند بلکه باید استراحت نیز بکند
allocation (n)	تخصیص (تخصیص بودجه به بخش مسکن)
alternate (v)	متناوب کردن (اومتناوباً می خنندید و سرفه میکرد)
ambitious (adj)	جاه طلب- بلندپرواز
amusement park (n)	پارک تفریحی
anchor (n)	سرخبر گزار
angel (n)	فرشته
anniversary (n)	سالروز (مثلاً: سالروز ازدواج)- یادبود سالیان
appendix (n)	ضمیمه- فهرست مطالب اضافه (معمولاً در آخر کتاب)
appliance (n)	دستگاه- وسیله (مثلاً: وسایل خانگی)
approximately (adv)	تقریباً
around the corner (exp)	[در] نزدیکی (در این نزدیکی ها یک ایستگاه وجود دارد)
arrest (v)	دستگیر کردن یا شدن
as strong as an ox (exp)	[خیلی] قوی
assemblyman (n)	عضو مجلس قانون گذار
assign (v)	گماشتن [به کار]
astounding (adj)	حیرت آور
attendance (n)	حضور (مثلاً: حضور مرتب در کلاس)
attorney (n)	وکیل [مدافع]
aviator (n)	خلبان
Bb	
B.A.	لیسانس علوم انسانی (Bachelor of Arts)
Bahamas (n)	کشور باهاما (واقع در اقیانوس اطلس)
bail out (v)	دست برداشتن- جازدن (دست برداشتن از سرمایه گذاری)
bankruptcy (n)	ورشکستگی
beast (n)	جانور- حیوان
beetle (n)	سوسک
befriend (v)	دوستانه رفتار کردن- محبت کردن [به کسی]
beggar (n)	گدا- تهیدست
behoove (v)	واجب یا شایسته بودن (it behooves sb to do sth)
best bet (exp)	بهترین راه (گزینه) ممکن
billing (n)	[بازیگر، مجری و...] منتخب سال
Bitte, was bedeutet telecommute?	لصفاً [بگوئید]، تلکمیوت (کار کردن از راه دور) به چه معنی است؟ (آلمانی)
blackish (adj)	مایل به سیاه
blend (n)	آمیزه - مخلوط (مثلاً: آمیزه ای از رنگ قرمز و زرد)
(as) blind as a bat (exp)	کور (مثلاً: من بودن عینکم تقریباً کور هستم)
blink (v)	چشمک زدن (چراغ و...)
blister (n)	تاول
blow (v)	برده شدن توسط باد یا فوت (مثلاً: باد برف ها را از این سو به آنسو می برد)
boarding house (n)	پانسیون
bond (n)	اوراق قرضه- قرارداد
boom (v)	غریدن (مثلاً: صدای رعدوبرق)
breakneck (adj)	سرسام آور- بسیار وحشتناک (مثلاً: سرعت زیاد)
brigantine (n)	نوعی کشتی دو تکه با بادبان مربعی شکل
B.S. (n)	لیسانس علوم (Bachelor of Science)
buckle (v)	بستن (کمربند و...) - خم کردن یا شدن- چین خوردن

bulletin (n)	بیانیه مختصر و رسمی
bureau (n)	دیوان (مثلاً: دیوان عدالت و...) - اداره
burnout (n)	خستگی جسمی و روحی ناشی از کار زیاد
by far	بسیار - به مراتب (بسیار مهم)
Cc	
caffeine (n)	کافئین (که باعث بی خوابی میشود)
camaraderie (n)	همراهی - همدلی
campaign (n)	مبارزه - پیکار (مثلاً: پیکار انتخاباتی)
candidate (n)	نامزد - کاندید
captivating (adj)	فریبنده - دلریا
carbohydrate (n)	کربوهیدرات
cargo (n)	محموله - بار
carnival (n)	جشن - کارناوال
carpe diem (exp)	قدر همان روز را دانستن و نهایت استفاده را از آن روز کردن (چون نمیدونی فردا زنده ای یا مرده)
castle (n)	قلعه
catastrophic (adj)	فاجعه انگیز - مصیبت بار
caution (n)	احتیاط - هوشیاری
chandelier (n)	لوستر - چلچراغ
chauffeur (v)	رانندگی کردن
Christmas Eve (n)	عید میلاد مسیح
chronic (adj)	مزمن (بیماری)
clean up after (v)	نظافت و پاکسازی کردن جایی بعد از اینکه نامرتب یا کثیف شد
clue (n)	سرنخ
cockpit (n)	کابین (هواپیما، ماشین، قطار و...)
colonist (n)	مهاجر - مستعمره نشین
colony (n)	مستعمره
columnist (n)	مقاله نویس
comeback (n)	دستیابی مجدد- بازگشت (به وضعیت، قدرت و... سابق)
commit (v)	مرتکب شدن (جرم، جنایت و...)
community (n)	جامعه- اجتماع- عوام
competitive (adj)	پیشی طلب- سبقت جو
comptroller (n)	سر حسابدار
conduct (v)	اداره یا مدیریت یا اجرا کردن
consciously (adv)	آزروی قصد
consequence (n)	نتیجه- پیامد
contemplate (v)	در نظر داشتن- قصد داشتن
contribution (n)	همکاری و کمک
conviction (n)	محکومیت- مجرمیت
Corfu (n)	یکی از جزایر مستعمره یونان که در سواحل شمال غربی این کشور قرار دارد
cornstarch (n)	آرد ذرت- نشاسته ذرت
cottage (n)	کلبه- خانه روستایی
couch potato (n)	معناد به تلوزیون
counselor (n)	مشاور
crack (v)	گشودن- شکستن (معما، رمز، مشکل و...)
craft (n)	صنایع دستی- هنر های دستی
cramp (n)	گرفتگی عضله- انقباض ماهیچه در اثر کار زیاد
crayon (n)	مدادشمعی
creed (n)	اعتقادات- آیین
crew (n)	خدمه (کشتی، هواپیما و...)
critical (adj)	بسیار مهم- حیاتی- بحرانی
crop (n)	(کشاورزی) محصول
cross - country (adj)	[از] راه فرعی- ورزش های میدانی و صحرایی
crucial (adj)	سرنوشت ساز - بسیار مهم
cum laude (adv)	نمره الف در دانشگاه
curriculum (n)	برنامه آموزشی- برنامه تحصیلی (ایا زبان فرانسه در برنامه آموزشی مدرسه قرار دارد؟)
cut from the same cloth (exp)	[دو زمینه خاصی] خیلی به هم شباهت داشتن
Dd	
dazed (adj)	گیج- منگ (بعلت: خستگی، سانحه، هیجان و...)
deadline (n)	مهلت- موعد مقرر
deal with (v)	رسیدگی کردن به
decent (adj)	درخور - مناسب- شایسته
defy (v)	مقابله یا سرپیچی کردن- تو روی (کسی) ایستادن
delegate (v)	محول کردن (کار، وظیفه و...) به دیگران
delicacy (n)	غذای (خوردنی) لذیذ و گران قیمت در عین حال کمیاب
Democrat (n)	عضو حزب دموکرات

## High2 vocab

depict (v)	(به) تصویر کشیدن- نشان دادن
deprivation (n)	فقدان (مثلاً: فقدان خواب)
devote to (v)	اختصاص دادن (وقت، نیرو و... خود) به فعالیت خاصی
differential (adj)	متفاوت (مثلاً: نرخ های متفاوت)
dim sum (n)	نوعی غذای چینی که در ظروف کوچک سرو میشود
disguise (v)	پنهان کردن (جوش، لکه و...) (بوسیله آرایش و...)
dissolve (v)	حل کردن (مثلاً: حل کردن نمک در آب)
distemper (n)	(مرض) هاری
district attorney (n)	بازپرس بخش قضایی
do the time (exp)	در زندان بودن
dodgem car (n)	ماشین برقی (که در شهر بازی ها سواری میشود)
doughnut (n)	نان کماجی (نان شیرینی گرد و مانند حلقه)
doze (v)	چرت زدن
Dracula (n)	یک شخصیت افسانه ای خون آشام
drained (adj)	خسته ذهنی و جسمی
drop in (v)	سر زدن - سر زده به جایی رفتن
drought (n)	خشکسالی
drowsy (adj)	خواب آلود
drug (v)	دارو دادن (برای بیهوش یا خواب آلود کردن فرد)
dude ranch (n)	مزرعه تفریحی (عموماً برای اسب سواری و پیاده روی)
dye (v)	رنگ کردن (مو، پارچه و...)
Ee	
ellipsis (n)	(دستور زبان) حذف به قرینه
elude (v)	فرار کردن- گریختن (بزدا از دست پلیس فرار کردند)
embark (v)	آغاز کردن- اقدام کردن به (به فعالیت خاصی)
embarrassment (n)	شرم (خجالت)
embittered (adj)	تلخکام
emerge (v)	پدید آمدن- شناخته شدن
emperor (n)	امپراتور
enchanted (adj)	جادو شده- طلسم شده
encounter (v)	مواجه شدن با- برخوردن به
engage in (v)	پرداختن به
engrave (v)	حکاکی کردن- حک کردن
enterprise (n)	شرکت- مؤسسه
equivalent (adj)	معادل- برابر
erode (v)	(فلز و...) را خوردن- ساییده شدن
erratic (adj)	غیر قابل پیش بینی- سرسری- دارای مسیر نامعین
escapade (n)	شیطنت- ماجراجویی (مثلاً: شیطنت دوران کودکی)
evaluate (v)	ارزیابی کردن
evaluation (n)	ارزیابی
exceed (v)	گذشتن از (از حد انتظار)- (از حد چیزی) تجاوز کردن
excellence (n)	برتری - شگرفی- مزیت
excerpt (n)	قطعه منتخب- گلچین
extend (v)	تمدید کردن یا شدن- طول دادن
eye (n)	مرکز هر چیزی (بخصوص مرکز گردباد)
Ff	
fall out of fashion (exp)	از محبوبیت افتادن
fascinated (adj)	مجنوب- شیفته
fate(n)	تقدیر- سرنوشت
fatigue (n)	خستگی مفرط
faucet (n)	شیر آب
fault (n)	گسل- شکست زمین
feline (adj)	مانند گربه (گربه وار)
ferry (n)	یک نوع قایق کوچک برای جابجایی های کوتاه
fill (v)	(شغل و...) دارا بودن- منصوب کردن یا شدن
finicky (adj)	دیرپسند- بهانه گیر- بدقلق
flatten (v)	هموار کردن یا شدن
flier (n)	آگهی (روی یک کاغذ کوچک)
foundry (n)	کارخانه ذوب فلز (ریخته گری یا شیشه گری)
frantic (adj)	از گوره در رفته- از خود بی خود- بی تاب
fratricide (n)	برادر کشی
fumes (n)	گاز- دود
funicular (n)	قطار کابلی
furious (adj)	عصبانی - خشمناک
fuss over (v)	ابراز محبت کردن به- لطف کردن به
Gg	
Galapagos Islands	مجموعه جزایر آتش فشانی واقع در غرب کشور اکوادور که به خاطر گونه های جانوری کمیابشان مشهور هستند

garlic (n)	سیر
gasp(v)	نفس نفس زدن (بدلیل: هیجان، بیماری، کار زیاد و...)
gear (n)	اوات - اسباب (اوات کو هوردی و...)
genetic code (n)	کد ژنتیک
genie (n)	جن- پری (که آرزو ها را برآورده میکند)
genius (n)	نو بخ- هوشمندی
genocide (n)	کشتار دسته جمعی - قتل عام
geophysicist (n)	متخصص ژئوفیزیک
get away with (v)	جان سالم به در بردن- گیر نیفتادن- قفس در رفتن
glimpse (n)	نگاه اجمالی و گذرا
gnat (n)	پشه (حشره ریز دوباله)
grandiose (adj)	ظاهرا مجلل- عالی نما- پر آب و تاب
grant (v)	قبول یا موافقت کردن- تصدیق کردن
grave (n)	قبر
graveyard (n)	قبرستان
guardian angel (n)	فرشته ی نجات (فرشته ی محافظ)
Hh	
harass (v)	آزار دادن- اذیت کردن
hardship (n)	تنگدستی- گرفتاری زندگی
harsh (adj)	ناخوشایند- سخت (مثلاً: زمستان های سخت آلاسکا)
have a say (exp)	داشتن حق اظهار نظر در مورد چیزی
herbal (adj)	گیاهی (مثل: چای گیاهی)
hiccup (n)	سکسکه
high tide (n)	مد (مد دریا)
hijack (v)	هواپیما ربایي کردن
hit-and-run (n)	فرار از محل بعد از سانحه رانندگی
hobble (v)	مانع شدن (از پیشرفت چیزی)- مختل کردن
honeymoon (n)	ماه عسل
Hong Kong (n)	منطقه ای در جنوب چین که مستعمره انگلیس بود اما بعدها به چین برگردانده شد اگر چه هم اکنون سیستم مالی و اداری مستقل از چین دارد
hostile (adj)	دشمنانه- خصومت آمیز
household (adj)	مربوط به خانه (مثلاً: کار های خانه)
housing (n)	خانه و مسکن- جای زندگی
Howland Island (n)	جزیره ای در شمال اکوادور واقع در اقیانوس آرام که بدون سکنه است
hurricane (n)	تندباد
Ii	
ice pack (n)	کیسه ی یخ
Ich kann das wort nicht verstehen	جمله ی آلمانی به معنی «من معنی آن لغت را نمیدانم» (I can't understand that word)
identity (n)	هویت
illegal (adj)	غیر قانونی
impending (adj)	قریب الوقوع- نزدیک
impress (v)	تحت تاثیر قرار دادن
inaccessible (adj)	دور از دسترسی - دور افتاده
inconclusive (adj)	بی نتیجه- ناتمام (بحث بی نتیجه)
indisputable (adj)	غیر قابل شک و تردید- بی چون و چرا
infer (v)	استنباط کردن- پی بردن
inquire (v)	جویشدن- پرسش کردن
intersection (n)	چهارراه - تقاطع
intensive care (n)	مراقبت های ویژه (بیمارستان)
intractable (adj)	سرکش - رام نشدنی (مشکل رام نشدنی بیکاری)
intriguing (adj)	جالب- گیرا
investigator (n)	مامور تحقیق
ironic (adj)	طنعنه آمیز
irritable (adj)	بد اخلاق- تند مزاج
isolation (n)	انزوا- گوشه نشینی
issue (n)	موضوع (موضوع مورد بحث)
itchy (adj)	خارش آور- خارش دار
J	
jail (n)	زندان
jar (v)	لرزندان- تکان دادن
jerk (n)	مردکه- دم احمق و خطاکار
Kk	
karaoke (n)	تکرار کردن آهنگ مورد علاقه هنگامی که بخش میشود (بخش آهنگ های بی کلام آوازهای مشهور و خواندن خود آواز توسط فرد جهت سرگرمی یا تزیین کردن)
kick out (v)	بیرون انداختن (بیرون پرت کردن کسی)

## High2 vocab

kick up your heels (exp)	سنگ تمام گذاشتن - لذت بردن
koala (n)	کوالا
Kowloon (n)	نام شهری در جنوب شرقی چین که بعنوان پاداش به انگلستان واگذار شده بود (بدلیل استعمار هنگ کنگ) اما بعدها دوباره به چین برگردانده شد
Ll	
Lamma Island (n)	سومین جزیره بزرگ هنگ کنگ که جزیره ای بی طرف است و هیچ جاده و اتومبیلی در این جزیره وجود ندارد
landfill (n)	محل دفن زباله های خانگی و صنعتی
landlord (n)	صاحبخانه
lap (n)	ران (قسمت بالایی پا که موقع نشستن سطح صافی را ایجاد میکند و میتوان مثلاً laptop را روی آن قرارداد)
lavish (v)	گشاده دستی کردن - اسراف کردن - بی دریغ چیزی را نثار کسی کردن (اظهار محبت بیش از اندازه به دوست)
lawn (n)	علفزار - چمن زار (بویره در اطراف خانه)
layoff (n)	(ازکار) بیکارسازی (عموما بصورت موقت)
layover (n)	ایست موقت (در حین سفر) - توقف میان راه
leading (adj)	برجسته - اصلی - عمده
legend (n)	افسانه (ادم برجسته و مورد بحث)
legitimate (adj)	مشروع - قانونی - درست - منطقی
leisure (n)	اوقات فراغت
leukemia (n)	سرطان خون
lifelike (adj)	واقعی (این عکس خیلی واقعی بنظر می رسد)
limousine (n)	لیموزین (اتومبیل بزرگ و مجللی که کابین راننده و سرنشینان توسط یک صفحه جدا شده است)
linguistic (adj)	زبان شناسی - زبان شناختی
LLB (n)	لیسانس حقوق (Bachelor of Laws)
loafer (n)	کفش چرمی که معمولاً مثل دمپایی است و کفی صاف دارد
Loch Ness (n)	نام دریاچه ای در کوهستان های اسکاتلند
loot (n)	تاراج - غنیمت (ج: غنایم)
loss (n)	زیان - ضرر - خسارت
lottery (n)	قرعه کشی
lukewarm (adj)	ولرم (مثلاً: آب ولرم)
luxurious (adj)	مجلل
Mm	
mahjong (n)	نوعی بازی چینی با 144 یا 136 مهره
mantra (n)	(عقیده، سخن و...) قدیمی و پیش پا افتاده و تکرار شونده
marble (n)	سنگ مرمر
marital status (n)	وضعیت تأهل (مجرد، متأهل، بیوه و...)
Martian (adj)	مریخی (کسی که در مریخ زندگی میکند)
matricide (n)	مادر کشی
mature (adj)	بالغ
mayor (n)	شهردار
mean (adj)	(ادم) پست فطرت - بدجنس - شرور
measles (n)	سرخک
memo (n)	یادداشت (عموماً بین دو همکار که در یک جا کار میکنند)
merry-go-round (n)	چرخ گردان (چرخ فلک) (در شهر بازی)
mesmerize (v)	هیپنوتیزم کردن - مجنوب کردن
meteorologist (n)	هواشناس
migrate (v)	مهاجرت کردن - کوچ کردن
moan (v)	آه و ناله کردن - شکوه کردن
mobility (n)	(قدرت) تحرک
moderate (adj)	متعادل - متوسط (مثلاً: کارگر با حقوق متوسط)
monitor (v)	کنترل کردن (مثلاً: کنترل کردن علائم حیاتی)
monster (n)	هیولا - غول
mortgage (n)	رهن - گرو (اقساط بانکی)
mosquito (n)	پشه
mow (v)	(با داس یا چمنزن و...) زدن - بریدن - چیدن (چمن و...)
mule (n)	قاطر
Nn	
nasty (adj)	نامطوبوع - (بسیار) بد
naval (adj)	وابسته به نیروی دریایی
neurosis (n)	اختلال روانی (اختلال اعصاب)
New Guinea (n)	بزرگترین جزیره دنیا که در شمال استرالیا واقع است (نام قدیمی این جزیره پاپواست)
newsletter (n)	خبرنامه
nightmare (n)	کابوس
nuclear power (n)	انرژی هسته ای
Oo	

oatmeal (n)	حریره - فرنی (نوعی غذای داغ صبحانه که با جوی له شده و شیر یا آب درست میشود)
obligation (n)	وظیفه
obstacle (n)	گیر - مانع (مثلاً: موانع زندگی)
odor (n)	بو - رایحه (عموماً بوی ناخوشایند)
offender (n)	خطا کار - مجرم
on the air (exp)	روی صحنه (در رادیو، تلویزیون و...) (این برنامه برای اولین بار در سال 1998 روی صحنه رفت)
open house (n)	پذیرایی از مهمان - جشن عمومی
opponent (n)	حریف
optimistic (adj)	خوش بین
orienteeing (n)	مسابقه دوی صحرايي (به کمک قطب نما)
overdo (v)	افراط کردن (در مصرف، خوردن و... چیزی)
overindulge (v)	لوس کردن - بیش از حد آزاد گذاردن
overwhelm (v)	متأثر کردن - دست پاچه کردن
ox (n)	گاو نر
Pp	
painkiller (n)	مسکن
paramedic (n)	بهبیار - کمک پزشکی
pastime (n)	سرگرمی - وقت گذرانی - مشغولیت
patricide (n)	پدر کشی
patron (n)	مشتری - مراجعه کننده
peacock (n)	طاووس
peer (n)	هم سن و سال
perfectionism (n)	کمال گرایی
periodically (adv)	هر چند وقت یکبار - متناوباً
permissiveness (n)	آسانگیری
perplexing (adj)	گیج کننده - پیچیده
pest (n)	آفت
pigsty (n)	آغل خوک (منظور جای کثیف و بهم ریخته است)
pinch (v)	نیشگون گرفتن
pitch-black (adj)	بسیار تاریک (بسیار سیاه)
plant (n)	نیروگاه - کارخانه
platform (n)	جایگاه (مبارزه داوطلبان برای کسب جایگاه وزارت)
plot (v)	(روی نقشه) تعیین کردن - نشان دادن
poise (n)	وقار - متانت
poised (adj)	متین - موقر
poison ivy (n)	پیچک سمی آمریکایی
poll (n)	نظرسنجی (عمومی) کردن
pond (n)	تالاب - آبگیر
pool (v)	سرمایه گذاری مشترک کردن (تصحیلات اشتراکی) (به سرعت) خوردن، رفتن، آمدن، حرکت کردن و...
pop in (v)	پاپ (پیشوای کاتولیک ها)
Pope (n)	سرسرا - ورودی سر پوشیده - ایوان
porch (n)	آثار هنری که یک فرد جمع آوری با ایجاد کرده (مثلاً: تمام نقاشی هایی که یک هنرمند تا حالا کشیده است)
portfolio (n)	پیتسرو - ماده تشکیل دهنده چیزی
precursor (n)	عمده - اصلی
predominant (adj)	احتمالاً
presumably (adv)	اولویت - حق تقدم
priority (n)	(ورزشکار و...) حرفه ای (که آن فعالیت را انجام میدهد چون شغلش است نه برای تفریح و سرگرمی)
pro (adj)	پیش رفتن - جلو رفتن
proceed (v)	طفره رفتن - امروز فردا کردن
procrastinate (v)	برانگیختن یا واداشتن (به حرف زدن، فعالیت کردن و...)
prompt (n)	دارایی (ج: اموال)
property (n)	طرفدار - خواهان (مثلاً: خواهان حقوق زنان)
proponent (n)	روانپزشک
psychiatrist (n)	روابط عمومی
public relations (PR) (n)	دنبال کردن (اومیدانست دنبال چه حرفه ای بود)
pursue (v)	فعالیت - سرگرمی (فعالیت های هنری او)
pursuit (n)	(به بعد) موکول کردن
put off (v)	
Qq	
quake (n)	زمین لرزه - لرزه - لرزش
quarterback (n)	(درفوتبال) بازیکن خط حمله
quiet as a mouse (exp)	خیلی آرام (بدون سروصدا)
quintessential (adj)	نمونه (شهر اصفهان در بین شهرها نمونه است)
Rr	
raft (n)	قایق مسطح الواری (کُلک)

## High2 vocab

raid (n)	یورش- دستبرد- حمله ناگهانی
rash (n)	محل خارش یا تحریک روی پوست (جوش)
rating (n)	رتبه- درجه
rear (adj)	عقب- پشت (مثلاً: چرخ های عقب ماشین)
recreation (n)	تفریح- سرگرمی
recur (v)	تکرار شدن- دوباره روی دادن
redress (v)	جبران کردن
regicide (n)	شاه کشی (یا ملکه کشی)
release (v)	منتشر ساختن- عرضه کردن (اطلاعات و...)
reliable (adj)	قابل اطمینان
reluctant (adj)	بی میل
remains (n)	جسد
reprieve (n)	تعویق (در انجام مجازات، تصمیم و...)
Republican (n)	عضو حزب جمهوری خواه
requiem (n)	آهنگ یا سرود عذا (که در مراسم عشی ربانی برای روح مرده در کلیسا اجرا میشود)
resident (n)	ویژه گراموز پزشکی (دانشجوی سال سوم پزشکی که برای خیره شدن در یک بیمارستان کار میکند)
résumé (n)	خلاصه ی شرح حال و سوابق کاری (که برای استخدام شدن در یک اداره مورد نیاز است)
riddle (n)	(شخص یا چیز) کیج کننده
rigid (adj)	غیر قابل تغییر- ثابت (برنامه ی کلاسی تغییر ناپذیر)
rigorous (adj)	دقیق- موشکافانه (توجه موشکافانه به جزئیات)
roll over (v)	به طرفین کج شدن (در حالت درازکش)- تلو تلو خوردن
roller coaster (n)	تیزن هوایی
rotting (adj)	در حال فاسد یا پوسیده شدن
rough (adj)	ناهموار- پست و بلند
roust (v)	مجبور کردن کسی به تغییر مکان خود (ما او را از خانه بیرون راندیم)
rubber band (n)	نوار لاستیکی- کش (مثل: باند پول)
rugged (adj)	خشن- زحمت- غیر قابل انعطاف (رفتار خشن)
ruin (n)	خرابه
rumored (adj)	شایعه
run (n)	(در مسابقه، انتخابات و...) شرکت کردن
Ss	
sacrifice (v)	فداکاری کردن- فدا کردن
saying (n)	پند- ضرب المثل
scouting (n)	پیشاهنگی
scrap (n)	ضایعات- تکه- پاره (مثلاً: یک تکه کاغذ)
scrub (v)	(محکم) مالیدن- ساییدن (با برس، جار و...)
seam (n)	درز لباس- خط اتصال لوجیز (چوبی، پارچه ای و...)
seize the day (exp)	قدر همان روز را دانستن و نهایت استفاده را از آنروز کردن (چون نمیدونی فردا زنده ای یا مرده)
sentence (n)	حکم به مجازات
set up (v)	ترتیب دادن- تنظیم کردن (او یک جلسه در خصوص مشکلات مالی شرکت ترتیب داد)
sexist (adj)	جنسیت گر (بیانه)
sheriff (n)	کلانتر- داروغه
shortfall (n)	(پول، بودجه و...) کسری- کمبود
shrimp (n)	میگو
sift (v)	وارسی کردن- بررسی و گزینش کردن (از میان یک توده)
significant (adj)	قابل توجه- به مقدار زیاد
simile (n)	(ادبیات) تشبیه
sip (v)	جرعه جرعه یا کم کم نوشیدن
siren (n)	آژیر- سوت خطر
sled (n)	سورتمه
slide (n)	سرسره
slip (v)	سُراندن- لیز اندن- انداختن
sneak (v)	دزدکی حرکت کردن (آمدن یا رفتن)
snooze (n)	چرت- خواب کوتاه
soak (v)	خیساندن- خیس خوردن (لوییها را در آب بخیسان)
soothe (v)	آرام کردن- تسکین دادن
spell (n)	طاسم- جادو
speedometer (n)	سرعت سنج اتومبیل
spring up (v)	ظاهر شدن- ناگهان بوجد آمدن
stable (adj)	ثبیت وضعیت خطرناک بیمار و رفع خطر
stain (v)	لکه دار کردن- لک انداختن
stain (n)	لکه
stall (v)	متوقف شدن یا کردن (از کار انداختن یا افتادن ماشین و...)

stall (n)	غرفه- کیوسک
stay out (v)	بیرون از خانه ماندن یا به سر بردن
stock up (v)	اندوختن (غذا... (بدلیل شرایط سختی که در پیش است)
Storsjoeodjuret (n)	یک هیولای آبی که طبق گفته ها در عمق 100 متری دریاچه Storsjön واقع در شمال غرب سوئد زندگی میکند
stranded (adj)	به گل نشسته- سرگردان (مثلاً: مسافران سرگردان)
structure (n)	سازه (مثل: پل، ساختمان و...)
stubborn (adj)	کله شق
stubborn as a mule (exp)	خیلی کله شق
student council (n)	شورای دانش آموزی
stumble (v)	لنگان لنگان رفتن
subconscious (adj)	ناخودآگاه (مثلاً: ترس ناخودآگاه از آب)
suicide (n)	خودکشی
sulky (adj)	اخمی- دلخور
sum up (v)	خلاصه کردن
superhero (n)	ابرقهرمان (یک شخصیت افسانه ای در فیلم)
supplement (n)	مکمل (مثلاً: مکمل های پروتئینی)
surf (v)	گشت و گزار در اینترنت یا تلویزیون
survival (n)	بقا
sustain (v)	تحمل کردن
swear (v)	ناسزا گفتن- خشت دادن
sympathize (v)	همدردی کردن
syndrome (n)	مجموعه علائم بدنی و ذهنی بیماری- سندروم
Tt	
take up (v)	شروع به انجام کاری (که بصورت عادت تکرار میشود)
tavern (n)	میخانه- مسافرخانه
tax (v)	(چیزی یا کسی را) به کوشش و چاره سازی واداشتن
teahouse (n)	قهوه خانه - چای خانه
tear off (v)	کندن- درآوردن (مثلاً: کندن کاغذ دیواری از روی دیوار)
tedious (adj)	خسته کننده- کسل کننده
teem with (v)	پُر بودن (از) (مثلاً: رودخانه پر از ماهی است)
telecommute (v)	کار کردن از راه دور (به ویژه در منزل)
the rat race (exp)	سگ دوی- کشاکش (به دلیل زندگی در شهرهای بزرگ)
theft (n)	سرقت- دزدی
theory (n)	نظریه- گمان
therapist (n)	درمان شناس (روانپزشک)
thorn (n)	خار- تیغ
thoroughly (adv)	کاملاً- دقیقاً
threshold (n)	سرحد- مرز- آستانه (مثلاً: 18 درصد رای موافق سرحد تصویب صلاحیت نماینده است)
thrive (v)	رشد و نمو کردن
throne (n)	تخت شاهی
tidal wave (n)	موج جزرومدی (منظور موج ویران کننده است)
tile (n)	کاشی
toad (n)	وزغ
togetherness (n)	همبستگی- صمیمیت- دوستی
tombstone (n)	سنگ قبر
tongue-in-cheek (adj)	به طور غیر جدی- با شوخی
tortoise (n)	لاک پشت
tough (adj)	دشوار (مثلاً: آزمون/ تصمیم دشوار)
trace (n)	ردپا- اثر- نشانه
track (v)	(سارقان هیچ ردپایی از خود باقی نگذاشته بودند)
trailer (n)	ردپایی کردن- پیگیری کردن
transcript (n)	تریلر- واگن (پشت بند)
transform (v)	رونوشت
treadmill (n)	دگرگون کردن
treasure hunt (n)	دستگاه ورزشی- تردمیل
tropical (adj)	(بازی) گنج یابی (یک نوع بازی که با جواب دادن به سوال ها در خانه های مختلف به چیز مدنظر دست میابیم)
trumpet (n)	استوایی (مثلاً: گیاهان استوایی)
turn in (n)	شپیور
Uu	تحویلی یا ارائه دادن (کارهای درخواستی را تحویل دادن)
U.C.L.A (abbr)	University of California at Los Angeles
under the circumstances (exp)	به دلایل زیر- بر اساس منطق
upside (n)	طرف مثبت قضیه
urge (v)	وادار کردن- قبولاندن
U.S.C (abbr)	مخفف: University of Southern California
utensil (n)	لوازم آشپزخانه

## High2 vocab

Vv	
vague (adj)	مُبهم
validate (v)	اثبات کردن (شواهد بی گناهی مجرم را ثابت کردند)
vaudeville (n)	نمایش چندگانه (شامل: رقص، آواز، مسخره بازی و...)
vegetate (v)	خوردن و خوابیدن
veterinarian (n)	دامپزشک
villain (n)	(دررمان، فیلم و...) ادم بد (درمقابل قهرمان داستان)
violent (adj)	خشونت آمیز - خشن
vocation (n)	شغل - حرفه
vulnerable (adj)	آسیب پذیر
Ww	
ward (n)	(بیمارستان) بخش
weave (v)	بافتن - درست کردن
weird (adj)	غیر عادی و مرموز
wilderness (n)	صحرا - بیابان
wistful (adj)	حسرت بار - اندوهگین
witch (n)	(زن) جادوگر
withstand (v)	دوام آوردن (در برابر...) - تحمل کردن
worrier (n)	ادم غصه خور و بدخیال
Yy	
yacht (n)	قایق تفریحی - کشتی خصوصی
yell (v)	نعره - داد (مثلاً: نعره ی پیروزی)
(more than) your fair share of sth (exp)	به مقدار قابل توجه از چیزی (به خصوص چیز ناخوشایند)

ILIVOCAB.IR